یادداشت

کاملا هریس اولین زن رنگین‌پوست جانشین رئیس‌جمهوری آمریکا تاریخ‌سازی می‌کند

فائزه‌توکلی*

بایدن از سمت ریاست‌جمهوری کنار رفت و در یک پست جداگانه در رسانه‌های اجتماعی ارز یکشبه از معاون رئیس‌جمهور خود، کامالادی. هریس، حمایت کرد تا او را به عنوان پرچمدار حزب دموکرات قبل از کنوانسیون ملی آن در ۱۹ و ۲۲ آگوست جایگزین کند. با کناره‌گیری جو بایدن در سومین سال ریاست‌جمهوری آمریکا، نقش برجسته نخستین معاون زن رنگین‌پوست ریاست‌جمهوری کامالا هریس بسیار پررنگ‌تر شده است.

بایدن در بستی که در شبکه اجتماعی ایکس به اشتراک گذاشته، گفت: «امروز می‌خواهم حمایت کامل خود را از کامالا ارائه کنم تا نامزد حزب ما در سال جاری باشد». کامالا هریس گفت: «من افتخار می‌کنم که تأیید رئیس‌جمهور را دارم و قصد می‌کنم که برنده‌شدن این نامزدی است».

لازم به ذکر است «ایالت ای‌شومر»، رهبر اکثریت سنا (D-N.Y) به طور خصوصی به بایدن گفته بود اعلامه نامزدی او به شانس دموکرات‌ها آسیب می‌زند و بایدن را به خاطر کناره‌گیری ستایش کرد. ترامپ روز یکشنبه به بایدن حمله کرد و در پستی در رسانه اجتماعی خود، Truth Social، متعهد شد که بسیاری از میراث او را از بین ببرد. به نظر می‌رسد حضور کامالا هریس در رأس قدرت، تاریخ جدیدی را در آمریکا رقم خواهد زد. خانم هریس یکی از اهرم‌های بسیار مؤثر در پیروزی جو بایدن بود، زیرا از دو سوژه سیاه‌پوستان و زنان برای ضریب نفوذ و جلب آرای مردمی به‌خوبی بهره برد.

در این مقاله به ابعاد تأثیرگذاری شخصیت هریس اشاره می‌شود. هریس، دختر یک مادر هندی و پدری جامائیکایی، بیش از هر زنی در رهبری این کشور رشد کرده است. او سناتوری از ایالت کالیفرنیا و دادستان سابق است. اولین زن سیاه‌پوست و اولین شخص از نژاد آسیایی است که به دومین دفتر عالی کشور ایالات متحده آمریکا انتخاب شده بود. در پیروسه زندگی هریس از نخستین روزهای کودکی، به او آموخته شد که راه عدالت زدائی طولانی است. او اغلب در مورد مبارزات کسانی که قبل از او آمده بودند صحبت می‌کرد: در مورد ولدینش، مهاجرانی که به جنگ حقوق مدنی در ایالات متحده کشیده شدند و به نیاکانش که راه را هموار کرده‌اند. هریس به مخاطبان عمدتا سیاه‌پوست در فورت‌وورث گفت: «بله خواهران، گاهی اوقات ممکن است به نظر برسد ما تنها باشیم و در اتاق قدم می‌زنیم. اما چیزی که همه ما می‌دانیم این است که ما هرگز به‌تنهایی در آن اتاق‌ها راه نمی‌رویم. همه ما هم در آن اتاق هستیم».

انتخاب کاملا هریس ۶۱ ساله، در شرایط کنونی آینده کشوری را نشان می‌دهد که از نظر نژادی تنوع بیشتری پیدا خواهد کرد و این یک نقطه عطف برای تاریخ تبعیض نژادی است که با بی‌عدالتی نژادی مواجه است.

اینکه او در رهبری کشور بلاتر از هر زنی قرار می‌گیرد، از نظر سیاسی خارق‌العاده خواهد بود. هریس به عنوان وکیل دادگستری سابق سانفرانسیسکو و اولین زن سیاه‌پوستی که در مقام دادستان کل کالیفرنیا خدمت می‌کرد، در سال ۲۰۱۶ به عنوان سناتور ایالات متحده نیز انتخاب شد. او در واشنگتن نامزد دادرسی در جلسات سنا نیز بود.

لازم به ذکر است آنچه کاملا هریس را متمایز کرده، زندگی‌نامه شخصی اوست؛ او دختر بدری جامائیکایی و مادری هندی بود و از همان سال‌های ابتدایی زندگی خود در اوکلند و برکلی، کالیفرنیا، درگیر مسائل عدالت نژادی بود و در خاطرات خود از اشعارها و قیادها با عنوان «دریای باهایی که حرکت می‌کنند» نوشت. وی یادآور می‌شود در سال ۱۹۷۱ که شرلی چیشولم، اولین زن سیاه‌پوستی که برای مبارزات انتخاباتی خود به عنوان رئیس‌جمهور فعالیت می‌کرد، در یک مرکز فرهنگی سیاهان در برکلی صحبت می‌کرد، کاملا آن زمان یک دختر نوجوان بود و در آنجا حضور داشته است.

پس از چندین سال اقامت در مونترال، خانم هریس در دانشگاه هوارد، یک کالج تاریخی سیاه‌پوستان و در یکی از معتبرترین کشورها تحصیل کرد و سپس به عنوان دادستان، خشونت خانگی و موارد استثمار کودکان را پیگیری می‌کرد. او اغلب از مادرش که یک محقق سرطان پستان بود که در سال ۲۰۰۹ درگذشت، صحبت می‌کند. شوهر خانم هریس، سلیویسوت و یهودی‌ای به نام «دگلاس امهوف» است.

کاملا هریس با شروع ادای احترام به خانم چیشولم، جمعیتی را در اوکلند که مشاوران آن را بیش از ۲۰ هزار نفر تخمین می‌زدند، در دوره انتخابات آقای بایدن، جذب کرد و توانست موجی از حمایت را به دست آورد. بیشتری از چالش وی، به‌ویژه با جناح مترقی حزب دموکرات که سعی در جلب آن داشت، مشکلی بود که او در آتشی‌دادن مواضع گذشته خیلی به آن اشاره می‌کند. برای مثال، کالیفرنیا با اخلاقیات فعلی حزب خود، تفاوت دارد. او تلاش می‌کند در شرایط کنونی برنامه سیاست خود را تعریف کند. استحکام عقیدتی هریس در این شرایط باعث شده به‌عنوان مقام نخست آمریکا و جانشین موفقت، کاندیدای رئیس‌جمهوری آمریکا شود. از مهمترین مواضع خانم هریس تأکید بر زنان و سیاه‌پوستان و تلاش در ارتباطات فراگیر با رأی‌دهندگان این اقشار است و اهداف خود را متمرکز پیش برده است. با تأسف باید گفت ترامپ در تقابل با او و یسر از بحث معاون رئیس‌جمهوری شدن و بی‌تاسخر از دعوت به عنوان «هیولا» یاد می‌کرد. برخی از اعضای تشکیلات سیاسی از این توهین‌ها خشمگین بودند. دوستان خانم هریس می‌دانستند که عمل‌گرایی او با درک از نحوه برخورد جهان سیاسی با زنان رنگین‌پوست گسترش می‌یابد.

سناتور کسوری بوکر، همکار و دوست خانم هریس که دهه‌هاست او را می‌شناسد، در مصاحبه‌ای گفت کاملا همیشه زن سیاه‌پوستی بوده که سدهای جلو راهش را نپذیرفته است. او اجازه نمی‌دهد این چیزها بر روحیه‌اش تأثیر بگذارد. آقای بوکر گفت: «او این کار را برای تمام امور حرفه‌ای خود تحمل کرده و به مردم مجوز ورود به قلب خود را می‌دهد. دموکرات‌ها قطعا از پیروی وی خوشحال خواهند شد. زیرا نقطه درخشانی برای راهنمائی کشوده می‌شود و امید دارند اولین زن سیاه‌پوست را در پله‌های کاخ سفید ببینند. حضور خانم هریس در جریان کارزار انتخاباتی بایدن در آینده خرب دموکرات و شخصیت منحصربه‌فردش مؤثر خواهد بود. زمان صحنه‌آرایی به نفع خانم هریس است و او با حمایت زنان آمریکا می‌تواند نخستین زن ریاست‌جمهوری آمریکا شود.

خانم هریس کاملا از جایگاه خود در تاریخ آگاه است. او کار خود را به عنوان رخبان حقوق مدنی که قبل از او آمده‌اند، «اجدادش»، همچنین نسل‌های کنونی که امیدوارند بتوانند آنها را قدرتمند کنند، مرتبط می‌داند.

خانم هریس در زمینه حقوق کارگران خانگی و کمک به مهاجران مسلمان برای دسترسی به مشاوران حقوقی کفت: «او درک می‌کند فرزند مهاجران بودن به چه معناست -معنای آن این است که فردی رنگین‌پوست به دنبال عدالت نژادی باشید-.» فقط موارد زیادی وجود دارد که لازم نیست شما برای جانشین رئیس‌جمهوری هریس توضیح دهید و می‌معتقدم که او برای بسیاری از موضوعات مهم برای جامعه آسیای جنوبی مبارزه خواهد کرد.

آخر آنکه تجربه حضور زنان در کشورهای اسکاندیناوی در مناصب بالای حکمرانی موجب خطر، دوستی و آرامش می‌دارن بوده است و کاملا هریس در رأس قدرتمندترین کشور دنیا می‌تواند نوید مدارا و صلح و حل‌وفصل جنگ‌هایی باشد که در جریان است.

*مدیر فضلنامه پژواک زنان در تاریخ
مورخ و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقدی بر شیوه‌نامه احراز توبه در تعامل با سایر نهادهای حقوق کیفری

پیمان حاج محمود عطار
وکیل دادگستری

حسن خلیل خیلی
وکیل دادگستری

حقوق کیفری مدرن در ضمن توجه به دو اصل کلیدی و مهم «قطعیت» و «حتمیت» مجازات‌ها، با تأسیس نهادهایی همچون «تعلیق اجرای مجازات»، «تعویق صدور حکم»، «نظام آزادی مشروط»، «نظام نیمه‌آزادی»، «مجازات‌های جایگزین حبس»، «تعویق صدور حکم»، «تخفیف مجازات و معافیت از آن» و «عفو» با درنظرگرفتن معیارها و اصول علمی، عینی و قابل سنجش، امکان توبه، تدامت و اصلاح مجرمان را در تمام مراحل دادرسی فراهم آورده است. در واقع قانون‌گذار در این نهادهای حقوق کیفری، بدون آنکه به لفظ «توبه» اشاره‌ای کند، در مغز و باطن قانون‌گذاری، از نهاد توبه بهره جسته و آن را به عنوان راهکاری برای بازگردانن مجرمان به جامعه و اصلاح و تربیت آنان به کار برده است. ضمن اینکه شرایط و شروط علمی و عینیت‌یافته‌ای را برای سنجش صحت تدامت و اصلاح مجرمان در نظر گرفته است. از سوی دیگر، قانون به عنوان عصاره خرد جمعی توسط نخبگان و نمایندگان جامعه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است و به واسطه حاکمیت ولایت فقیه و نظارت فقهای شورای نگهبان، این احکام نیز در حکم احکام ثانویه شرعی تلقی می‌شود، لذا سزا نیست که قوه قضائیه به عنوان نهاد مجری قانون، با تصویب بخش‌نامه لازم‌الاجرا و غیرقابل نقض، اثرگذاری قانون را کمرنگ کند.

د- رکن قانونی توبه:

توبه و پذیرش آن محدود به مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی است. اگرچه با وجود نهادهای کیفری مندرج در فصل چهارم تا فصل یازدهم از بخش اول قانون مجازات اسلامی نیازی به این مواد نیز وجود ندداشت و درون‌ماید و باطن اصلی توبه در این مواد گنجانده شده است. با این حال هر بخش‌نامه و آیین‌نامه‌ای از هر مرجعی، محدود و مضیق به قانون مصوب مجلس قانون‌گذاری است. بنابراین، طبق مواد فوق‌الذکر نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. در جرایم حدی (طبق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی):

اولا: توبه باید قبل از اثبات جرم صورت گیرد؛ مگر شرایط اینکه اثبات جرم به واسطه اقرار صورت گیرد که در این صورت توبه بعد از اثبات جرم، موجبات درخواست عفو از مقام رهبری را فراهم می‌آورد؛

ثانیا: توبه در محاربه، صرفا قبل از دستگیری یا تسلط بر او مورد پذیرش واقع می‌شود؛ ثالثا: در زنا و لواط به عنف، اکراه یا اغفال نزدیده، در هر حال حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو اجرا می‌شود.

۲. در جرایم تعزیری (طبق ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی):

اولا: از جرایم درجه ۶ تا ۸، امکان پذیرش توبه فراهم است؛ ثانیا: در سایر جرایم تعزیری، پذیرش توبه صرفا موجبات اعمال مقررات تخفیف مجازات (مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی) را فراهم می‌آورد.

ثالثا: در صورت تکرار جرم، توبه مورد پذیرش واقع نمی‌شود؛

رابعا: پذیرش توبه شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

۳. طبق ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی دبه، فحش، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد.

۴. طبق ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی:

اولا: صرف ادعای مرتکب کافی نیست و توبه، اصلاح و تدامت مرتکب باید احراز گردد؛

ثانیا: در صورت اثبات تظاهر به توبه، سقوط مجازات و تخفیفات اعطا و مجازات (و در مجازات تعزیری حداکثر مجازات) اجرا می‌گردد.

طبق ماده ۲ بخش‌نامه علاوه بر مرتکب «رئیس مؤسسه کیفری در صورتی که قرائنی از توبه در متهم یا محکوم مشاهده کند، می‌تواند مراتب را مستندا به گزارش مددکار اجتماعی و تأیید شورای طبقه‌بندی به مقام قضائی اعلام کند». طبق بند ب از ماده ۱ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور «مؤسسه کیفری، واحدی زیرمجموعه سازمان است که متهم یا محکوم به دستور مرجع قضائی یا قانونی صلاحیت‌دار، بازداشت و یا برای تحمل محکومیت حبس یا هدف اصلاح و تربیت و بازسازگاری اجتماعی در آنجا نگهداری می‌شود که انواع آن عبارت است از: زندان‌های بسته، نیمه‌باز، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان باز، بازداشتگاه، اردوگاه کاردرمانی و کانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان». یعنی؛ بدون ابراز توبه و ندامت توسط مرتکب، رئیس مؤسسه کیفری به مرتکب اعلام توبه می‌کند. در واقع به نوعی در این بخش‌نامه، تأسیس جدیدی تحت عنوان «توبه عملی» مشاهده می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که عبارتی نظیر «توبه کند»، «توبه مرتکب» و «توبه محارب» در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و عبارت «مرتکب توبه نماید» در ماده ۱۱۵ همین قانون و همچنین ماده ۱۱۸ این قانون که تصریح می‌دارد: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، اتمام مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید»، می‌تواند ناظر به ماده ۲ بخش‌نامه باشد و توبه عملی را رد یا بدانا یا اینکه این تأسیس در بخش‌نامه، فراتر از قانون و غیرقابل اجراست؟ مطابق ماده ۲ بخش‌نامه «مقام قضائی مربوط، در صورت صلاحدید می‌تواند متهم یا محکوم را جهت بررسی صحت ادعای توبه حسب مورد به واحد ارشاد و معاضدت قضائی یا مؤسسه کیفری معرفی نماید».

اولا: در ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی و در جهت احراز توبه، اصلاح و ندامت مرتکب بوده و با اجرای بند ج ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور صورت می‌گیرد. سؤال این است که بند ج ماده ۲۴ راجع به متهمان بازداشتی و محکوماتی اعمال می‌شود که مدتی را در بازداشتگاه یا زندان سپری کرده و امکان بررسی رکن معنوی توبه برای مددکار اجتماعی یا روحانی زندان فراهم است. اما در مورد متهمی که بازداشت نشده، چگونه می‌توان با یک نگاه، به حالت نفسانی توبه در او پی برد؟

ثانیا: در اینجا مشخص نیست که منظور از «واحد ارشاد و معاضدت قضائی» چیست. آیا منظور همان است که در دستورالعمل شماره ۱ در سال ۱۳۸۴ در روزنامه رسمی منتشر شده که «در اجرای ماده ۱۰ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرائی آن در دادگستری‌ها و مجتمع‌های قضائی اداره مذکور (ارشاد و معاضدت قضائی) زیر نظر رؤسای حوزه‌های قضائی با هدف توانمندساختن مراجعه‌کنندگان به دادگستری و جلب رضایت آنان و رعایت حقوق همه‌جانبه آنها تشکیل می‌گردد»؟ در این صورت آیا قرار است برای وکلای مرکز وکلای قوه قضائیه، نقش و کارکرد جدیدی تحت عنوان احراز توبه، اصلاح و ندامت متهم تعریف شود؟

طبق ماده ۵ بخش‌نامه «مقام قضائی به منظور احراز توبه، ندامت و اصلاح مرتکب موارد ذیل را قبل بندهای ذیل که غالبا حاکی از صحت ادعای توبه است را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- التزام عملی به انجام فرائض دینی؛ ب- جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛ پ- اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب جرم به ویژه چنانچه ندامت خود را به نحوی اعلام نماید؛ ت- همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم یا معرفی شرکا یا معاونین جرم؛ ث- تعهد به خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص شرور، شرکا و معاونین جرم؛ ج- ارائه خدمات عام‌المنفعه یا مشارکت در امور خیر؛ چ- اقدام به درمان و ترک اعتیاد؛ ح- گزارش کتبی مددکار اجتماعی مبنی بر اصلاح رفتار مرتکب.

اگرچه بندهای الف و ب نمی‌توانند معیار کاملی برای پذیرش ندامت واقعی مرتکب باشند و برای بند ت نیز صفات ارتباط با شرور و معاشرت با اشخاص مرتکب زندانی یا بازداشتی امکان عملیاتی‌شدن ندارد و برای جبران خسارت وارده به جامعه به آینده حواله می‌شود، لکن با تدقیق در سایر نهادهای حقوق کیفری که در صدر این نوشتار ذکر شده، مشخص می‌شود که بسیاری از این بندها در سایر مواد قانون مجازات اسلامی تکرار شده است. برای نمونه:

۱. در ماده ۳۸ در بیان جهات تخفیف مجازات، به بندهای (ب، پ، ت) فوق اشاره شده است؛

۲. در ماده ۴۰ در بیان شرایط تعویق صدور حکم، به بندهای (ب، پ، ت) فوق اشاره می‌کند. همچنین در ماده ۴۳ در مورد تعویق مراقبتی به بند (ت، ج) فوق نیز اشاره می‌شود؛

۳. در ماده ۶۴ در بیان شرایط تعلیق اجرای مجازات، به بندهای مذکور در بخش تعویق صدور حکم اشاره می‌کند؛

۴. در ماده ۵۷ در بیان شرایط نظام نیمه‌آزادی، به بندهای (ب، ج) فوق اشاره شده؛

۵. در ماده ۵۸ در بیان شرایط نظام آزادی مشروط، به بندهای (ب، ج) فوق اشاره شده است؛

۶. در ماده ۶۴ در بیان شرایط مجازات‌های جایگزین حبس، به بندهای (ب، پ، ت) فوق اشاره می‌شود.

ملاحظه می‌شود که بسیاری از شرایط بیان توبه که در ماده ۵ بخش‌نامه قید شده است، به نظر می‌رسد:

اولا- به دلیل اینکه در رکن قانونی توبه (یعنی، مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی) بدان‌ها اشاره نشده، وجود همگی آنها برای پذیرش توبه ضروری نیست؛

ثانیا- به برخی از آنها که بیشتر جنبه عینی و ملموس دارند در سایر نهادها و تأسیسات حقوق کیفری در مواد ۳۷ و ۸۷ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است. به بیان دیگر، ماهیت توبه در اشکال دیگر در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است.

در پایان، بیان این نکته ضروری است که: اگرچه سیاست زندان‌زدایی، راهکار مناسبی در حقوق کیفری مدرن تلقی می‌شود اما این سیاست لزوما در کنار سایر اقدامات تأمینی و تربیتی و نیز اصلاح ساختار اقتصادی و فرهنگی جامعه موثر واقع می‌شود و زندان‌زدایی بدون اجرای سیاست‌های مکمل، موجبات نقض امنیت قضائی و روانی جامعه شده و در پی آن تجری مجرمان در تجاوز به هنجارها و نظم اجتماعی و ناکارآمدسازی نهادهای حقوق کیفری را فراهم خواهد کرد.

مدیرعامل انجمن توانایاب درگفت‌وگو با «شرق»:

دولت جلسات بی‌فایده و نمایشی با انجمن‌ها تشکیل ندهد

چند مشکل اساسی افراد دارای معلولیت به صورت ریشه‌ای حل شود

سمیه جاهدعطائیان

«توقع نداریم که وزیر و رؤسای سازمان‌ها هزاران دغدغه را حل کنند. نشانه‌گرفتن و توجه به سه معضل ریشه‌ای و حل اساسی آنها بسیار مهم است. معضلات باید چنان ریشه‌ای حل شوند که مدیران و وزرای ۲۰ سال آینده هم با مشکلات گذشته روبه‌رو نشوند و سر قهقرایی تکرار نشود.

مشکلات هزینه‌بردون انواعی از خدمات توان‌بخشی و کاردرمانی ازجمله مشکلات دیرینه‌ای است که هر سال جدی و چالش‌برانگیزتر از قبل می‌شود. آیا حل‌وفصل مشکلات تعرفه‌گذاری و کاهش توان مالی خانواده‌ها برای بهره‌بردن از این خدمات، نباید در اولویت باشد؟

بی‌شک من و تمام همکارانم در حیطه توان‌بخشی به این موضوع واقف هستیم که تعرفه‌های توان‌بخشی برای مراجعان و مددجویان در ایران هزینه‌های سنگینی دارد. این موضوع در کشورهای توسعه‌یافته حل‌وفصل شده است و بخش عمده‌ای از خدمات توان‌بخشی و کاردرمانی با تولد کودک دارای معلولیت که قرار است سال‌های سال از خدمات توان‌بخشی استفاده کند، متوجه دولت است؛ بنابراین تعرفه‌ای هم که برای درمانگران مشخص می‌شود، باید نسبت به تجربه درمانگر هم باید سبک زندگی، معاش و درآمد سالم و کافی داشته باشد تا بتواند به وظیفه خود به‌عنوان یک درمانگر خوب، عمل کافی داشته و از شخصیت و توان مدیریتی و عملیاتی لازم برخوردار باشند.

مددجویان سازمان بهزیستی در زیرمجموعه افراد با نیازهای ویژه، در چند سال گذشته با مشکلات بی‌شماری در زمینه معیشت، مسکن، حق پرستاری و... روبه‌رو بوده‌اند و شرایط دشواری را تجربه کرده‌اند. در زمان فعلی دارد در حوزه افراد دارای معلولیت در سازمان بهزیستی باید چه اقداماتی در اولویت باشد؟

این‌طور نیست که ابتدا با شرایط مناسب فاصله زیادی دارایم. باید به موضوع وسیع‌تر، تخصصی‌تر و کاربردی‌تر پرداخته شود. به‌عنوان نمونه یک مراجع و همراه آن برای رسیدن به جلسات درمان، توان‌بخشی، فیزیوتراپی و... باید زمان، انرژی و هزینه‌های رفت‌وآمد زیادی را متحمل شود. بیمار ممکن است به دلیل داشتن معلولیت جسمانی-حرکتی و محدودیت‌های حاصل از آن، امکان تردد نداشته باشد و رفت و برگشت با حضور فیزیکی در مراکز درمانی، بار هزینه‌ای زیادی داشته باشد. به‌همین‌دلیل دولت‌ها در دوره‌ای در حرکت به سمت بهره‌بردار ارزان‌تر باشد اما متاسفانه در شرایطی که هزینه‌های خدمات، در بسیاری از خانواده‌ها تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و خدمات ویزیت در خانه نیز شامل بیمه نمی‌شود، خدمات توان‌بخشی دولت لوکس و گران شناخته شده و از اهمیت حیاتی جدانی برخوردار نیستند. این در حالی است که خدمات Visit و خدمات لوکس محسوب نمی‌شود، بلکه خانواده‌های بسیاری که به خدمات Visit Home احتیاج دارند، در حومه و خارج از تهران ساکن هستند که به خاطر مشکلات تردد و گرانی هزینه‌های رفت‌وآمد مایل به استفاده از خدمات در منزل هستند که درمانگر و متخصص از کلینیک به منزل بیمار آمده و کار توان‌بخشی در منزل انجام شود.

نهاد یا انجمن‌های مردمی فعال در حوزه افراد دارای معلولیت که عملکرد خوبی هم در حوزه خدمت‌رسانی به جمعیت تحت پوشش یا اطلاع‌رسانی به مردم در زمینه چالش‌ها و مشکلات افراد با نیازهای ویژه داشتند، می‌توانند بازوی دولت در شناخت و آسیب‌شناسی مسائل مربوط به معلولان باشند؟

انجمن‌ها می‌توانند بسیار فعال و مفیدتر از قبل، دولت را یاری کنند. انجمن‌های فعالی که عملکرد قابل دفاعی نیز داشتند، در دولت سیزدهم تحت فشار بودند و بارها در این زمینه انتقادهای زیادی مطرح شد که چوب لای چرخ انجمن‌ها گذاشته نشود. یعنی یا یک‌سری بوروکراسی و بازی‌های دست‌وپاگیر اداری مثل طولانی‌کردن بروسه ثبت «ان‌جی‌اوها» و... که به دنبال آن مسائل بانکی و مالی فراوانی برای سه معضل ریشه‌ای و حل اساسی آنها بسیار مهم است. معضلات باید چنان ریشه‌ای حل شوند که مدیران و وزرای ۲۰ سال آینده هم با مشکلات گذشته روبه‌رو نشوند و سر قهقرایی تکرار نشود.

مشکلات هزینه‌بردون انواعی از خدمات توان‌بخشی و کاردرمانی ازجمله مشکلات دیرینه‌ای است که هر سال جدی و چالش‌برانگیزتر از قبل می‌شود. آیا حل‌وفصل مشکلات تعرفه‌گذاری و کاهش توان مالی خانواده‌ها برای بهره‌بردن از این خدمات، نباید در اولویت باشد؟

بی‌شک من و تمام همکارانم در حیطه توان‌بخشی به این موضوع واقف هستیم که تعرفه‌های توان‌بخشی برای مراجعان و مددجویان در ایران هزینه‌های سنگینی دارد. این موضوع در کشورهای توسعه‌یافته حل‌وفصل شده است و بخش عمده‌ای از خدمات توان‌بخشی و کاردرمانی با تولد کودک دارای معلولیت که قرار است سال‌های سال از خدمات توان‌بخشی استفاده کند، متوجه دولت است؛ بنابراین تعرفه‌ای هم که برای درمانگران مشخص می‌شود، باید نسبت به تجربه درمانگر هم باید سبک زندگی، معاش و درآمد سالم و کافی داشته باشد تا بتواند به وظیفه خود به‌عنوان یک درمانگر خوب، عمل کافی داشته و از شخصیت و توان مدیریتی و عملیاتی لازم برخوردار باشند. پزشک و متخصصی که با مراجعه‌کنندگی و بیماران در حیطه پزشکی و پیرایشگری فعالیت داشته، می‌تواند مشکلات مختلف بیماران را از جنبه‌های گوناگون آن تصور و بررسی کند و توان مدیریتی لازم برای حل مشکلات پیش‌رو را خواهد داشت. مهم‌تر اینکه توقع داریم وزیر هم در شاخه‌های مختلف، افرادی را منصوب کند که متناسب با هر موضوع، تجربه عملی کافی داشته و از شخصیت و توان مدیریتی و عملیاتی لازم برخوردار باشند.

مددجویان سازمان بهزیستی در زیرمجموعه افراد با نیازهای ویژه، در چند سال گذشته با مشکلات بی‌شماری در زمینه معیشت، مسکن، حق پرستاری و... روبه‌رو بوده‌اند و شرایط دشواری را تجربه کرده‌اند. در زمان فعلی دارد در حوزه افراد دارای معلولیت در سازمان بهزیستی باید چه اقداماتی در اولویت باشد؟

البته در یکی، دو سال اخیر بیشتر از قبل به موضوع بیمه در خدمات توان‌بخشی توجه شده اما تا شرایط مناسب فاصله زیادی دارایم. باید به موضوع وسیع‌تر، تخصصی‌تر و کاربردی‌تر پرداخته شود. به‌عنوان نمونه یک مراجع و همراه آن برای رسیدن به جلسات درمان، توان‌بخشی، فیزیوتراپی و... باید زمان، انرژی و هزینه‌های رفت‌وآمد زیادی را متحمل شود. بیمار ممکن است به دلیل داشتن معلولیت جسمانی-حرکتی و محدودیت‌های حاصل از آن، امکان تردد نداشته باشد و رفت و برگشت با حضور فیزیکی در مراکز درمانی، بار هزینه‌ای زیادی داشته باشد. به‌همین‌دلیل دولت‌ها در دوره‌ای در حرکت به سمت بهره‌بردار ارزان‌تر باشد اما متاسفانه در شرایطی که هزینه‌های خدمات، در بسیاری از خانواده‌ها تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و خدمات ویزیت در خانه نیز شامل بیمه نمی‌شود، خدمات توان‌بخشی دولت لوکس و گران شناخته شده و از اهمیت حیاتی جدانی برخوردار نیستند. این در حالی است که خدمات Visit و خدمات لوکس محسوب نمی‌شود، بلکه خانواده‌های بسیاری که به خدمات Visit Home احتیاج دارند، در حومه و خارج از تهران ساکن هستند که به خاطر مشکلات تردد و گرانی هزینه‌های رفت‌وآمد مایل به

آخرین وضعیت پارک‌های جنگلی تهران

ایسنا: رضا بیانی، مدیر کل منابع طبیعی استان تهران ضمن اشاره به آخرین وضعیت برخی پارک‌های جنگلی تهران، از پلاکوبی درختان پارک چیتگر خبر داد و گفت: پس از اینکه هشت پارک جنگلی را به سازمان آورده‌ایم پس از سال ۹۸ به شهرداری‌های مختلف تهران به‌ویژه شهرداری‌های مناطق ۱۳، ۵ و ۲۲ احاله مدیریت کردیم، پیگیری‌های خاصی را با همکاری دادستانی استان انجام دادیم که در زمینه پارک چیتگر به نتیجه رسیده است. آب را همکاری شرکت آب و فاضلاب منطقه ۲۲ دوباره به پارک چیتگر رسیده است و اکنون این پارک از حدود ۱۵ سال به‌صورت مستمر انجام می‌شود.

وی ادامه کرد: اسناد مالکیت پارک چیتگر را با توجه به اینکه در محدوده شهر تهران است، به نام منابع طبیعی ثبت کردیم و مدیر کل ثبت در این زمینه هماهنگی لازم را انجام داد. این کار باعث می‌شود در صورت بروز تخلفاتی در پارک، بر اساس سند مالکیت امکان شکایت برای ما وجود داشته باشد.

بیانی درباره اقدامات انجام‌شده درخصوص درختان خشک‌شده این پارک گفت: با توجه به هماهنگی انجام‌شده حدود هزار اصله با بن میش از سه سال در حال جایگزینی با درختان خشک‌شده است. درختان جایگزین‌شده پهن‌برگ، با نیاز آبی کم و بومی منطقه مانند افاقیا، زبان گنجشک و بلوط هستند. وی اضافه کرد: این کار اداره پیدا می‌کند تا تمام پارک آبیاری شود و در صورت وجود درختان خشک‌شده تا دستور دادستانی و بر اساس طرح جایگزینی به شهرداری منطقه ۲۲ به ما ارائه می‌کند، درختان را جایگزین می‌کنیم.

مدیر کل منابع طبیعی استان تهران درباره آخرین وضعیت آب‌رسانی به درختان سرخه‌حصار گفت: شهرداری منطقه ۱۳ قراردادی را به ارزش ۵۰ میلیارد تومان برای احیای حدود شش حلقه چاه بسته است و تا حدود ۲۰۰ روز آینده این کار انجام می‌شود و درختان آبیاری می‌شوند.

وی با بیان اینکه درخت خشکیده در پارک سرخه‌حصار داریم که پس از انتقال آب باید آنها را جایگزین کنیم، توضیح داد: حدود هزارو ۴۰۰ اصله درخت در این پارک باید جایگزین شود. به همین منظور طرح درختان جایگزین از سوی منطقه ۱۳ ارائه و در کمیته فنی مصوب شد و مورد تأیید دفتر جنگل‌داری سازمان قرار گرفت. شهرداری منطقه ۱۳ اعلام کرده که همزمان با قطع درختانی که مجوز قطع گرفته‌اند، درختان بر اساس طرح مصوب کاشته می‌شود.

مدیر کل منابع طبیعی استان تهران تاکید کرد: پس از سال‌ها اگر بتوانیم آب را به درختان چیتگر و سرخه‌حصار برسانیم، وضعیت آنها کمی بهتر می‌شود. این درختان طی سال‌های گذشته دچار تنش آبی شده بودند و در نتیجه آفت به عنوان عامل ثانویه به آنها حمله کرده بود. وی با توجه به افزایش دمای هوای تهران گفت: با هر یک درجه افزایش دما، حدود ۱۰ درصد نیاز آبی گیاه افزایش می‌یابد. در صورت تأمین‌نشدن این نیاز آبی، درخت دچار مشکلاتی مانند آفت‌زدگی می‌شوند. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به پلاکوبی درختان پارک‌های جنگلی احاله مدیریت شده گفت: با هماهنگی دادستانی، پلاکوبی درختان در پارک‌های جنگلی احاله مدیریت شده در حال انجام است. این کار از پارک چیتگر آغاز شده است. بیانی درباره نتایج پلاکوبی درختان سرخه‌حصار گفت: شهرداری منطقه ۱۳ قراردادی را به ارزش ۵۰ میلیارد تومان برای احیای حدود شش حلقه چاه بسته است و تا حدود ۲۰۰ روز آینده این کار انجام می‌شود و درختان آبیاری می‌شوند.

وی با بیان اینکه درخت خشکیده در پارک سرخه‌حصار داریم که پس از انتقال آب باید آنها را جایگزین کنیم، توضیح داد: حدود هزارو ۴۰۰ اصله درخت در این پارک باید جایگزین شود. به همین منظور طرح درختان جایگزین از سوی منطقه ۱۳ ارائه و در کمیته فنی مصوب شد و مورد تأیید دفتر جنگل‌داری سازمان قرار گرفت. شهرداری منطقه ۱۳ اعلام کرده که همزمان با قطع درختانی که مجوز قطع گرفته‌اند، درختان بر اساس طرح مصوب کاشته می‌شود.

مدیر کل منابع طبیعی استان تهران درباره آخرین وضعیت گود آبعلی که به دلیل ساخت‌وساز مالی فراوانی برای «ان‌جی‌اوها» و... که به دنبال آن مسائل بانکی و مالی فراوانی برای محل دفع نخاله‌های ساختمانی تبدیل شده است، گفت: وضعیت این منطقه را در دادگاه در حال پیگیری هستیم. اداره کل پسماند شهرداری تهران بر اساس بند ب ماده ۱۲ قانون افزایش بهره‌وری باید از جهت جبران خسارت تلاش کند. نظر قرار می‌دهد در آن مکان پسماندها و نخاله‌های ساختمانی تخلیه می‌شد ولی باید خسارت واردشده به درختان اطراف و محدود جبران و درختان کاشته شوند.

بیانی در پایان در مورد آخرین وضعیت شرایط پارک جنگلی «خرگوش‌دره» اظهار ک